

درس دوازدهم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. زبان دری و فارسی از یکدیگر چه تفاوت دارند؟
 ۲. چرا این زبان را گاهی فارسی و گاهی دری می‌گویند؟
 ۳. شاعران شبه قاره به کدام زبان شعر گفته‌اند؟
 ۴. این زبان در کجا و در کدام زمان به میان آمده است؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

فارسی یا دری؟

زبان و ادبیات دری در درازنای زمانه‌ها، حوادث متعددی را پشت سر گذاشته و مواجه به تغییرات و تحولات بی‌شماری گردیده است. این زبان، جاده هموار را طی ننموده؛ بلکه همواره در تغییر و نوسان بوده است. گاه از چهره ظریف طبیعت وصف نموده و زمانی سیمای خشن زنده‌گی انسان را به تصویر کشیده است.

به گواهی تاریخ، زبان دری، که قدامت در حدود دوهزارسال دارد، بر سر زمین ما و در همین زادگاه زبان‌های دیگر خانواده هندوآریایی پا به عرصه وجود نهاده است که درنخست ساکنان کابلستان، زابلستان، غزنین، بدخشان، نیمروز سیستان، بلخ، هری، گندهارا و اراکوزیا آن را وسیله افهام و تفهیم خویش قراردادده بودند؛ و از همین جاها بود که نخستین جوانه‌های زبان دری روییدن گرفت، به سیر تکاملی پرداخت و پس از مرور فرازها و فرودهای بسیار، به حد رشد رسید. با رواج یافتن آیین اسلام در خراسان و تغییر یافتن الفبا و آشنایی مردم ما با زبان عربی، سیر این زبان تندتر شده و غنای بیشتر یافت و اصول و قواعد دستوری زبان دری حالت اصلی خویش را حفظ کرد.

اما این که چرا این زبان را دری و یا فارسی می‌گویند، سخن بسیار است. درمتون کلاسیک، اسم‌های چون: دری، پارسی، فارسی، دری، پارتی-دری و... به زبان مذکور اطلاق شده است؛ ولی از آنجایی که مطالعات نشان داده، در اوایل دوره اسلامی این زبان را فارسی، دری و فارسی دری می‌خواندند.

در گذشته‌ها عده‌بی زبان دری را منسوب به «دره» و «دربار» می‌دانستند و مدعی بودند که این زبان، زبان رسمی دربارها بوده، به این لحاظ «دری» نامیده شده است؛ چنانکه در روایات ابن المقفع، یاقوت الحموی، حمزه اصفهانی و برخی دیگر از دانشمندان، از آن به

عنوان دو زبان جداگانه یاد شده، که «دری» را زبان مختص دربار و درگاه و «پارسی» یا «فارسی» را زبان موبدان، دانشمندان و اهل فارس خوانده اند؛ اما خاور شناسان از جمله «کریستینسر» دنمارکی و «دینینگ» انگلیسی در این مورد چنین داوری دارند که در اصل کلمه دری، «دهاری» بوده و «دهار» نام اصلی سرزمینی است که ما امروز آن را به نام «تخار» می‌شناسیم. و «تخار» تعریف شده از کلمه «دهار» است. زبان این سرزمین هم درنخست «دهاری»؛ سپس «دهری» و سرانجام «دری» شده است. این زبان درنخست دری بوده و در دربارها از آن به عنوان زبان تشریفاتی استفاده به عمل می‌آمد.

در هر حال هم اکنون در حدود (۲۰۰) میلیون انسان به این زبان سخن می‌گویند. در افغانستان یک نظر درمیان بعضی از مردم ما وجود داشت که «زبان دری، تاجیکی و فارسی سه زبان جداگانه است»؛ اما این نظر اساس علمی ندارد؛ زیرا هر سه لهجه از یک زبان واحد است؛ اگر ما چنین تصنیفی را بپذیریم که زبان دری، زبان تاجیکی و زبان فارسی سه زبان جداگانه اند، دچار مشکلات بسیار جدی می‌شویم؛ زیرا یک عده از شاعران ما که در دو - سه صد سال اخیر زنده‌گی کرده اند، زبان خود را زبان فارسی گفته اند و یک عده از شاعران که از لحاظ جغرافیایی به ایران کنونی ارتباط دارند، یا به قفقاز مربوط اند، زبانی را که با آن شعر سروده اند یا نثر نوشته اند، از آن به «دری» تعبیر کرده اند؛ مثلاً: نظامی، شاعر قرن ششم که از گنجه است و گنجه در قفقاز موقعیت دارد، می‌گوید:

نظامی که نظم دری کار اوست دری نظم کردن سزاوار اوست
و یا حافظ شیرازی (که شیراز در محدوده جغرافیایی ایران کنونی موقعیت دارد) می‌گوید:
ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه که لطف طبع و سخن گفتن دری داند
و در جای دیگر می‌گوید:

چو عندلیب، فصاحت فرود ای حافظ تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن
یا «رشیدی سمرقندی» شاعر قرن ششم که چنین گفته است:

بهانه‌هاست به ماندن مرا و یک آن است که هست مردن من مردن زبان دری
همچنان با قبول فرضیه یاد شده، دچار یک مشکل دیگر هم می‌شویم: در مورد شاعران پارسی‌گوی که در شبه قاره (هند و پاکستان) نثر نوشتند یا شعر گفته اند. مثلاً «بیدل» به کدام زبان شعر گفته است؟ زبانی را که «بیدل» به آن شعر سروده، فارسی بدانیم؟ یا دری؟
به هر حال زبان دری و فارسی یک زبان است که روزگاری این زبان در مقاطع گوناگون تاریخ، زبان رسمی سرزمین‌های بسیار وسیعی بوده که از شط العرب شروع تا تمام ایران و

سراسر افغانستان کنونی و ماورای قفقاز، خود قفقاز، آسیای میانه و ترکستان چین و گاهی زبان رسمی سراسر قاره هند و در دوره‌هایی زبان رسمی امپراتوری عثمانی بوده است. با یاد آنچه گذشت و نگرشی دیگر در آثار باستانی و کنونی این زبان، کوچکترین مورد اختلافی را نمی‌توان یافت که روی آن، زبان مورد بحث را به فارسی، دری یا تاجیکی تقسیم نمود. و اینکه از زبان مذکور لهجه‌های متعددی شاخه کشیده، نمی‌شود آن را دلیلی برای انقسام این زبان به دری، فارسی و تاجیکی انگاشت. در زیر نمونه‌هایی از قدیمترین آثار می‌آوریم، که در آن‌ها این زبان را جایی «دری» گفته اند، جای دیگری «پارسی» و در مواقعی دیگر از آن به نام «پارسی-دری» یاد کرده اند:

نخست در مورد اطلاق «دری» به همین زبان

دل بدان یافتی از من که نکودانی خواند مدحت خواجه آزاد به الفاظ دری

فرخی سیستانی / قرن پنجم

صفات روی وی آسان بود مرا گفتن گهی به لفظ دری و گهی به شعر دری

سوزنی سمرقندی / قرن پنجم

مدایح تو به لفظ دری همی گوید که از مدایح تو پاکیزه گشت لفظ دری

امیرمعزی / قرن ششم

سمع بگشاید ز شرح لفظ او جذر اصم چون زبان نطق بگشاید به الفاظ دری

انوری ایبوردی / قرن ششم

دید مرا گرفته لب، آتش پارسی ز تب نطق من آب تازیان برده به نکته دری

خاقانی شروانی / قرن ششم

«ارثنگ، کتاب اشکال مانی بود و اندر لغت دری همین یک ثاء دیده ام، که آمده است»

اسدی طوسی

«دری» به کسر دال (به فتح دال هم می‌گویند): و معنای دقیق آن، زبان درباریان «در» مخفف دربار یا درگاه است و به زبان فارسی معاصر اطلاق می‌شود.

دائرة المعارف اسلامی

دو دیگر در مورد اطلاق «پارسی» به زبان مورد بحث

عجم زنده کردم بدین پارسی فردوسی / قرن چهارم	بسی رنج بردم درین سال سی
سخن‌ها فهم کردن کی توانست شیخ عطار / قرن ششم	زبان پارسی را می‌ندانست
هندوی آن ترک باش ازجان و دل مولانا / قرن هفتم	پارسی گوئیم، هین تازی بهل
ساقی بده بشارت، رندان پارسا را حافظ / قرن هشتم	خوبان پارسی گو بخشنده‌گان عمرند

با نظر داشت موارد یادشده، ما به این تصنیف علمی دست می‌یابیم که زبان رایج در افغانستان، تاجیکستان، ایران و بعضی مناطق دیگر دنیا، سه شاخه یا سه لهجه از یک زبان واحد یعنی زبان فارسی دری است، نه سه زبان جداگانه. همان‌گونه که زبان عربی در همه کشورهای عربی در عراق، سوریه، اردن، فلسطین، مصر، کشورهای شمال آفریقا، عربستان سعودی و یمن، همان زبان عربی است. یا زبان انگلیسی که در همه جهان زبان واحد انگلیسی است و نام بومی به خود نگرفته، زبان فارسی دری نیز همان یک زبان است.

بخوانیم و بدانیم

۱. به گواهی تاریخ، زبان دری، که پیشینه‌ی در حدود دوهزار سال دارد، در سرزمین ما و در همین زادگاه زبان‌های دیگر خانواده‌ی هندوآریایی پا به عرصه وجود نهاده است.
۲. به یک نظر در اصل کلمه دری، «دهاری» بوده و «دهار» نام اصلی سرزمینی است که ما امروز آن را به نام «تخار» می‌شناسیم. «تخار» تعریف شده از کلمه «دهار» است. زبان این سرزمین هم در نخست «دهاری»، سپس «دهری» و سرانجام «دری» شده است.
۳. در حدود (۲۰۰) میلیون تن به زبان فارسی دری سخن می‌گویند.
۴. زبان رایج در افغانستان، تاجیکستان و ایران، سه شاخه یا سه لهجه از یک زبان واحد یعنی زبان فارسی دری است، نه سه زبان جداگانه.